

ایرانیان خارج از کشور با اخذ بیش از ۸۰۰ مورد مدرک دکترادر طول ۱۰ سال گذشته مقام اول را در بین ملل دیگر کسب کردند.



کمیته ایران - بوستون  
**راه**  
دمکراسی  
شماره ۲۱ - نوامبر ۲۰۰۲

در این شماره میخوانید:  
**همیشه بزرگ**  
بررسی کارنامه اپوزیسیون خارج از کشور **آزادی**  
**یادفر وهرها**  
آرا و نظریات شما

این نشریه را بر روی شبکه جهانی اینترنت [www.parsmassmedia.org](http://www.parsmassmedia.org) مشاهده کنید

بمناسبت ۱۶ آذر  
**حمایت از جنبش دانشجویی ایران**



جنبش دانشجویی ایران در ۱۶ آذر ماه سال ۱۳۳۶ با شهادت سه دانشجوی مبارز دانشگاه تهران در اعتراض به حضور ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور وقت آمریکا در تهران آغاز شد.

و فعال ترین جنبش های آزادیخواهانه ایران بوده است. ده ها دانشجو شهید و بقیه در صفحه ۴

این جنبش در طول حیات خود در دوران محمدرضا شاه یکی از پرهزینه ترین

**بررسی کارنامه اپوزیسیون خارج از کشور**

مخالفین جمهوری اسلامی یا به قول ایرانیان برون مرزی ، اپوزیسیون در خارج از کشور چه میکند؟ این سؤال ایرانیان درون مرزی است که به هرمناسبتی در برابر رژیم اسلامی سینه سپر میکند و جوانان خود را بر بالای چوبه های دار ( یا بهتر است بگوئیم میله های جراثقال ) می بیند و در تلاش رسیدن به آزادی و سربلندی است که حق اوست . پاسخی که ما برون مرزی ها به این سؤال هموطنان مبارز داخل کشور داده ایم هرگز قانع کننده نبوده است . با چند واژه و چند جمله کوتاه می توان پاسخ این سؤال را داد که : اپوزیسیون خارج از کشور به دلیل عدم هماهنگی گروه های مختلف هنوز نتوانسته است کار مثبتی انجام دهد. اپوزیسیون خارج از کشور مقیم اروپا فعال تر از مخالفین مقیم آمریکا است و هر از گاهی در مقابل پارلمان اروپا و یا مقراروپائی سازمان ملل و یاسفارتخانه های غصب شده ایران تجمع کرده و دست به تظاهرات سازنده ای میزند. در آمریکا اما ، تا دلتان بخواهد اپوزیسیون ، تلویزیون ۲۴ ساعته دارد و این تلویزیونها به دودسته فعال و خنثی ساز تقسیم میشوند . تلویزیونی دست به افشاگرهای مهمی در مورد نقض حقوق بشر در ایران میزند و تلویزیون دیگری مبنای اصول تبلیغاتی غیرمستقیم ، آگاهانه و یا نا آگاهانه ، آن افشاگری را خنثی میکند .

اپوزیسیون خارج از کشور کارنامه درخشانی ندارد. اگر بصورت بسیار خوش بینانه ای به بنگریم می توانیم آنرا با معدل ۱۰ ( بقول دوستی معدل ۷ ) بقیه در صفحه ۲

**همیشه بزرگ**

چندی پیش خبر سنگسار دو شهروند ایرانی در شهر نرده منتشر شد. گلی نیکخو و یونس اسدی با سنگهایی که اثر ضربات آنها همه ما ایرانیان داخل و خارج احساس کردیم ، سنگسار شدند. چه ننگی بالاتر از این برای ما ایرانیان که هموطنان ما، قربانیان رژیمی که در آن قانون و جامعه مدنی یک شوخی بی مزه است وستم وی داد حاکم است به این صورت و حشیا نه سنگسار میشوند و یا از چرقتیل ها که در تمام دنیا برای سازندگی استفاده میشوند در جمهوری اسلامی به دار آویخته می شوند که از چشم جهانیان پوشیده نمی ماند و چه سرشکستگی برای ما .

در این سواز جهان نیز ایرانیان ثروتمند و مرفه ب فکر هموطنان خود هستند و با همایش و گرد همائی می خواهند و می توانند که به آنان کمک کنند. البته این هموطنان که مورد لطف خارج نشینان قرار گرفته اند قربانیان رژیم نیستند بلکه سردمداران رژیم هستند که تو گوئی غارت مردم و ثروت های ملی در داخل ایران جوابگوئی اشتباهی چپاولگر آنان که بانیان ویران شدن ایران هستند نیست و حال مادر خارج از کشور باید با برگزاری همایش و تشکل ها در خدمت رژیم باشیم که سنگسار می کند و قربانیان خود را از جرتقیل می آویزد. ما باید با همایش های خود در خدمت رژیم باشیم و در امور سیاسی و اقتصادی در خارج و امور اقتصادی و نه سیاسی در داخل مشارکت داشته باشیم. تا حضرات رفسنجانی طبسی ، یزدی منافعشان حفظ و با تکنولوژی جدید آشنا شده و با کمک انجمنهای متخصصین خارج ، مردم ایران را بهتر بچایند. و شاید تکنولوژی جدید جرتقیلهای بهتری برای اعدام بسازد و دستگاههای سنگ بری جدید سنگهای تیزتری ببرند تا خون قربانیان رژیم ، بهتر ریخته شود.

کمال رفعت صفائی شاعر مبارزی که در غربت از دنیا رفت شعری در وصف آخوندهای حاکم سروده که میتواند صدای بقیه در صفحه ۲

## آزادی

شخصی که به تازگی از ایران برگشته بود پس از اینکه شرح مفصلی از دم گاراژ بودم و یارم سوار شد دل مسافری بر من کباب شد داد در مورد آزادی در جمهوری اسلامی بیاناتی ایراد کرد. من که گیج شده بودم و میخواسم از او بپرسم که او مسافر بوده یا بدرقه کننده بوده است سرانجام راضی شدم که فقط شنونده بمانم و به این بیانات شیوای الهی سیاسی دوست عزیز گوش کنم.

شخص مورد نظر میگفت آزادی در جمهوری اسلامی آنچنان زیاد است که او نه تنها موفق به دیدار خاله و عمه شده بلکه

با پسر خاله و دختر عمه خود هم دیدار داشته است. آدم مغرض ضد انقلاب اسلامی که در بین ما بود و متاسفانه امروز همه جا زیاد دیده میشود پرسید اگر آزادی هست پس چرا با دختر خاله دیدار نکردید؟ و این دوست عزیز تازه بازگشته از سفر پاسخ داد ایشان در اصل دختر خاله ندارد و گر نه هیچ منعی برای دیدار دختر خاله وجود ندارد. این شخص در مورد حجاب گفتند: حجاب اصلا زورکی نیست و همه ضعیفه ها می توانند هر رنگ چادری بپوشند. چادر سیاه تیره و مشکی. شخص مورد نظر پیرامون فراوانی و ارزانی مطالبی ایراد نمودند. گفتند: شما هر قدر بادمجان بخواهید می توانید بخريد و این آزادی وجود دارد که با آن بادمجانها هر نوع خوراکی که مایل بودید درست کنید بدون اینکه کسی جلوی شما را بگیرد. ارزانی هم خیلی موجود است. مثلاً قیمت یک پرس چلو کباب و مخلفات آن که در بوستن ما ۲۰ تا ۳۰ دلار است در آنجا ۲ تا ۳ دلار است.

باشنیدن این سخنان گهبار تصمیم گرفتم با عمه به ایران بروم ولی باید یادم باشد که از این آزادی فراوان سوء استفاده نکنم و به مناطق زلزله خیز نروم و در زیر طاقچه ای که عمه بالای آن نشسته است نخوابم.

عین - نظری

## بقیه همایش بزرگ

بلند اعتراض ما به برگزاری اینگونه همایش ها باشد.

## گم شوید

زیر تمام سنگهایی که بر ما فروراید

گم شوید

من اگر به بیابان بدل شوم

شهر و ند شما نخواهم شد.

## بقیه بررسی کارنامه اپوزیسیون خارج از کشور

با بقول دانش آموزان هم نسل ما، ناپلثونی قبول کرده و به کلاس بالاتر بفرستیم.

اما مبارزه با این رژیم که هیچیک از اعمالش در قالب مقررات و قوانین بشری نمی گنجد و کاملاً ضد بشری است، به یک کارنامه درخشان نیاز دارد.

اپوزیسیون خارج از کشور دچار درد خودبزرگ بینی است. هر یک از گروهها خود را برتر از گروه دیگری می داند و میخواهد اولین گروهی باشد که با سرنگونی رژیم اسلامی پای بر خاک ایران بگذارد. این اپوزیسیون به همه گروههای دیگر با نظر سوء ظن می نگرد. البته این سوء ظن هم چندان بی دلیل نیست. بسیاری از رسانه های وابسته به این اپوزیسیون آشکار و پنهان با جمهوری اسلامی لاس سیاسی میزنند و هر گاه که رژیم از کیسه ملت ایران چپاول میکند سیل صاحبان این رسانه ها بویژه سایتهای اینترنتی را با این پولها چرب میکند.

بخشی از اپوزیسیون میگوید در صف اول مخالفین است اما هرگز در تلویزیون خود از نقض حقوق ملت ایران توسط رژیم قرون وسطائی اسلامی حرفی نمیزند فقط معتقد به شاد کردن دلهای مردم است حتی اگر این مردم در زندانی به وسعت یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار کیلومتر مربع باشند به نام ایران. دیگری می گوید برای رهائی خلق مجاهدت میکند اما حاضر نیست با هیچیک از رسانه های متعلق به گروههای دیگر مصاحبه کند، روشنگری کند و به اصطلاح شرح مجاهدتهای خود را برای تئور افکار عمومی باز گو کند. اگر چه این گروه خود را دمکرات میداند اما از پیش علاوه بر هر که حق هر گروه است با تعیین رئیس جمهور نوع حکومت ایران را هم مشخص کرده است.

گروهی دیگر که خود را کمونیست میدانند و ذاتاً با ردوی اسلام و خدا و پیغمبر و امام و صد البته مقام ولایت فقیه و سرسازگاری ندارند به جای انتقاد از رژیم اسلامی با دیگر گروههای اپوزیسیون بویژه مشروطه خواهان و طرفداران سلطنت به بحث و مجادله و محاربه می پردازند. گروه اصلاح طلبان برون مرزی که بیشتر اعضای آنها دانشگاهیان و امانده از اینجا و آنجا و احتمالاً دانشجویان بورسیه خود رژیم تشکیل میدهند همراه با صادرکنندگان کالا به ایران و واردکنندگان مواد غذایی و یا محصولات ساخت وطن و ثروتمندانی که به فکر مال اندوزی بیشتر هستند، گاهی برای ابراز وجود، انتقادی از مقام رهبری به عمل می آورند و در ادامه اعتراض خود از رئیس جمهور مظلوم سید محمد خاتمی اردکانی یاد میکنند که حق و حقوقش توسط گروه ظالم تندرو پای مال شده است و باز گرفتن این حقوق را از وظایف خود میدانند حالا در اینجا حق و حقوق مردم ایران چه میشود به این اپوزیسیون ارتباطی ندارد.

جبهه ملی که زمانی یکی از سازمانهای مخالف و بسیار خوشنام سیاسی بود اینک به دو شعبه عمده داخلی و خارجی تقسیم شده که خط مشی این دو شعبه بکلی با هم متفاوت است. شعبه خارج از کشور جبهه ملی هم به شاخه های متعدد دیگری تقسیم میشوند که فقط در اسم شباهت کمی با هم دارند و در حالیکه بعضی از آنها به رای مردم در تعیین نوع حکومت آینده در ایران آزاد فردا معتقدند برخی دیگر می گویند آزموده را از مودن خطاست و رژیم آینده ایران جمهوری باید باشد نه سلطنت. بقیه این بحث را در شماره آینده مطالعه فرمائید.

شعر  
و  
ادب

## خاموش

در این شب تیره، ماهتابی نشکفت

در ساغر ما گل شرابی نشکفت

افسوس که بر لبش جوابی نشکفت.

گفتم به ستاره: خانه‌ی صبح کجاست؟

فریدون مشیری

## بر خورد

نوری به زمین فرود آمد

دو جا پیرشهای بیابان دیدم.

از کجا آمده بود؟

به کجا میرفت؟

تنهاد و جا پادیده می شد

شاید خطایی پا به زمین نهاده بود.

ناگهان جا پاهای راه افتادند.

روشنی همراهشان می خزید.

جا پاهای گم شدند،

خود را از روی تماشا کردم:

گودالی پراز مرگ شده بود

ومن در مرده خود به راه افتادم.

صدای پایم را از راه دوری می شنیدم،

شاید از بیابانی می گذشتم.

انتظاری گمشده بامن بود.

ناگهان نوری در مرده ام فرود آمد

ومن در اضطرابی زنده شدم:

دو جا پاهایم را پرکرد.

از کجا آمده بود؟

به کجا میرفت؟

تنهاد و جا پادیده می شد.

شاید خطایی پا به زمین نهاده بود.

سهراب سپهری

## مرثیه‌ای در سوک آزادی

آزادی ای سرابی که تشنگانت را دروادی اسارت رهامی کنی،

آزادی ای شرابی که سکر بامداد وصال طالبان ترا تا میخانه های زجر و شکنجه

می کشاند.

آزادی ای پشت گرمی انسانیت که پشت انسانها را با تازیانه دژخیمان آزادی کش آشنا

میکنی.



آزادی، ای شرافت انسانها که دور از تو ناموس مردمان بامبلغی ناچیز خرید و فروش

می شود،

آزادی، ای اکسیر حیات بخش

من جانم را می دهم تا طلوع آفتاب ترا بر سرزمینم

و بر سر مردان و زنان هموطنم شاهد باشم

و چه مرگ باشکوهی است. مرگی که در آن مزد گورکنش از جان انسان

افزون تر نباشد (۱) و در انتخاب گورستانش محدودیتی وجود نداشته باشد.

(۱) استفاده از مضمونی در شعر احمد شاملو

## عشق رمیده فریدون توللی

در پای آن چنار کهن، کز بسی زمان  
سر بر کشیده یکه و تنها میان دشت،  
عشقی رمیده، رفته ز افسردگی به خواب  
غمگین ز سرگذشت.

غوغاکنان، گروه کلاغان به شامگاه  
سوی درخت گمشده پرواز می کنند.

پر میزند و از پی خواب شبانگهان  
آوازی می کنند.

شب میرسد گرفته و سنگین نفس ز دور  
سوسوزان، ستاره نظر می کند به خاک  
و ندر سکوت شامگهان، ژرف حالتیست  
آرام و سهمناک .

گهگاه، از میان یکی ابر تیره رنگ  
برقی به چشم میرسد از کوهسار دور.  
وز گوشه‌ی سیاه یکی دخمه سایه‌ای

سرمی کشد ز گور.

آنجا، کنار قلعه‌ی ویران و دور دست  
افروختست دختر شبگرد، آتشی.  
او خود به خواب رفته و نالان به گرد او  
روح مشوشی.

باد از فراز کوه، خروشان و تند خیز  
می افکند به خاک، چنار خمیده را  
می پیچدش به شاخه و بیدار می کند  
عشق رمیده را.



## بقیه حمایت از جنبش دانشجویی ایران

استفاده کردند و کلیه دست آوردهای اصلاحات که رکن اصلی آن آزادی مطبوعات بود یکی پس از دیگری از بین رفت و دست بدست کردن خاتمی نیز که هرگز قاطعانه در جلوی بیدادگری قوه قضائیه نایستاد وزیر مجموعه او که اسیر مجموعه رفسنجانی بود شانس هرگونه برقراری ديمقراسی را از ایران گرفت و ملت ناامید ایران را ناامیدتر کرد.

در چنین شرایطی جنبش دانشجویی ایران در ۱۸ تیرماه ۷۸ باردیگر سربر آورد و با اعتراض به بسته شدن روزنامه سلام بزرگترین تجمع اعتراض آمیز بر علیه استبداد شکل میگیرد. حمله ی وجشیهانه ی رژیم به کوی دانشگاه این جنبش را مقاوم ترمی کند و سه روز تمام به مقاومت می پردازد و با دستگیری سران دانشجویان و شکنجه ی آنها حماسه ها آفریده می شود.

خورشید مقاومت درخشان تراز هر زمان دیگر طلوع میکند و آنچه رژیم بر سر برادران محمدی ، باطبی ، طبرزدی ، صادقی نور و... می آورد بیش از هر چیز تاروپود خود رژیم را گسسته میسازد. جنبش دانشجویی ایران پاک است و به هیچ سمت و سوئی وابستگی ندارد هرچند که رژیم باتوطئه و رخنه در دفتر تحکیم وحدت دانشجویی و دیگر تشکلهای ، سعی در نابودی این جنبش دارد اما اینها تلاشهای عبث و بیپوده ای است که باید انتظار آنرا از چنین بیدادگران داشت ولی به جایی نخواهد رسید. جنبش دانشجویی ایران بمثابة مرکز و قلب نهضت آزادی خواهانه مردم ایران به پیش می رود . از این جنبش که امروز تنها راه رسیدن به ديمقراسی است حمایت کنیم از دانشجویان زندانی حمایت کنید.

و صد هادانشجوی زندانی شدند تا سلطنت شاه فروریخت و امام آمد. انقلاب فرهنگی امام که منجر به بسته شدن دانشگاهها به مدت ۴ سال شد ضربه ای بس مهلک تراز ضربات رژیم پیش برد دانشگاهها وارد کرد. بعد از بازگشائی دانشگاه و نظارت داندیرانتخاب دانشجویان استاد (گزینش) هرگونه اعتراض و تشکل دانشجویی برای مدتها از بین رفت. رژیم می دانست و می داند که تهدید واقعی در کجا بود و هست

باگذشت ۲۳ سال از انقلاب اسلامی و شدیدترین سرکوب جنبش های آزادیخواهانه در تاریخ ایران بارفوزگی و بی عملی اپوزیسیون و شکست اصلاحات ثر چند سال اخیر ، برای دست یابی به ديمقراسی به چه چیز باید دل خوش کرد؟

اپوزیسیون ایران با وجود منافع سرشار مالی و انسانی از ارائه ی هرگونه راه حل و حتی حداقل کمک به آزادیخواهان عاجز مانده است. و به نظر میرسد که این مجموعه ناهماهنگ خودپیش از همه به کمک نیاز دارد و با اینکه اخبار جمع کردن اعانه های فراوان در گوشه و کنار به گوش می رسد اما از طریق هزینه کردن آنها هیچ خبری در دست نیست .

اصلاحات آغاز شده با مامداری خاتمی نورامیدی در دل آزادی خواهان تاباند که آنهم بعد از گذشت ۶ سال به شکست انجامید. به گفته دکتر کدیور ، اقتدار گرایان از هرگونه ابزار قانونی و شبه قانونی و غیرقانونی برای سرکوب اصلاحات

کمیته ایران بکوشش گروهی از آزادیخواهان و علاقمندان به ديمقراسی جهت انعکاس رویدادها و مبارزات دانشجویی و آزادی خواهانه مردم ایران و همچنین تبادل نظر در امور اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ایران در بوستون تشکیل شده است. اعضا و هواداران کمیته ایران دیدگاه ها و باورهای متفاوت دارند و تنها در چهارچوب آزادی زندانیان سیاسی و استقرار ديمقراسی و انعکاس مبارزات مردم ایران فعالیت میکنند. کمیته ایران سمت گیری سازمانی و حزبی ندارد و خواستار شرکت تمام افراد و گروه ها برای رسیدن به حاکمیت ملی می باشد.

## سوپر هیروز

فروشگاه ایرانی باکالاهای ایرانی

در خدمت هموطنان ایرانی

مقیم ماساچوست آمریکا

(۹۵۰۷-۹۲۴) (۶۱۷)

خوانندگان عزیز نشریه راه ديمقراسی .  
برای پر بارتر کردن نشریه خودتان لطفاً  
نوشته های خورا برای درج در این نشریه  
به آدرس مافکس و یائی میل کنید.  
منتظر همکاری های ارزنده شما هستیم .

Rah-e Democracy  
256 Washington Street  
Pembroke, MA 02359  
U.S.A  
irancommittee@cs.com

Fax: (781) 8262011  
Tel: (781) 829-8890

راديو صدى ايران  
پنجره ای بسوی ایران  
هر روز دو ساعت گفتگوی مستقیم  
با هموطنان در ایران  
برای گوش کردن به این راديو در  
ایالت ماساچوست با تلفن  
۵۱۹۰-۷۶۹ (۷۸۱)  
تماس بگیرید  
www.krsi.net

هموطنان عزیز:

مقالات رسیده مسترد نمیشود. راه ديمقراسی در کوتاه کردن مقالات و حذف بعضی از بخشهای هر مقاله آزاد است.

## هشدار به علاقمندان هنرمندان وطنی

چندی پیش جمهوری اسلامی در نشریات خود با آب و تاب اعلام کرد که دیگر، خوانندگان مردوزن را برای اجرای کنسرت به خارج از کشور نمیفرستد چون نتیجه حاصل از اعزام آنها تاکنون منفی بوده است.

اعلام این خبر بسیاری از هموطنان ما را که لا بلای خطوط را هم میخوانند خوشحال کرد که ادعاهای قبلی آنها مبنی بر اعزام خوانندگان وطنی به خارج توسط وزارت ارشاد صحت داشته است. زیرا این خبر خود اعتراف نامه ای برای رژیم به حساب می آمد. خبر فوق پس از شکست دومین کنسرت شاه ماهی هنر ایران در لوس آنجلس منتشر شد. بدون اینکه بخواهیم عدم برگزاری کنسرت دوم گوگوش را در لوس آنجلس با انتشار این خبر مربوط بدانیم یادآور می شویم که جمهوری اسلامی هرگز از اعزام هنرمند به خارج و برگزاری تجمعات برای نشان دادن فیلمهای ایرانی دست نخواهد کشید. زمانی هنرمندان را به روش مستقیم به خارج می فرستاد و اکنون بوسیله سازمانهای آمریکائی و موسسات فرهنگی اجتماعی ایرانی در خارج از کشور دست به انجام چنین فعالیتهایی میزند. ما باید به هوش باشیم و این ترندهای جمهوری اسلامی را دریابیم و گول نخوریم. زیرا فریب خوردن ما باعث به هدف نشستن تیر تبلیغاتی جمهوری اسلامی خواهد شد و رژیم بانسان دادن جمعیت های آنچنانی به سازمانهای حقوق بشر برای خود کسب وجهه میکند.

دوستی میگفت: شما فکر میکنید جمهوری اسلامی از نشان دادن یک فیلم در خارج چقدر پول نصیبش میشود که بخواهد دست به چنین اعمالی بزند. به او گفتم نه تنها پولی نصیب جمهوری اسلامی نمیشود بلکه از کیسه مردم به جان رسیده ایران مبالغ هنگفتی هم خرج میکند تا بتواند از اینگونه تجمعات بهره برداری سیاسی کند. اگر ما خیلی به هنرمندان وطنی احترام قائلیم که هستیم باید به روشهای دیگر از آنان تجلیل کنیم. همانند تجلیلی که انجمن رودکی در کانادا از استاد علی تجویدی بعمل آورد و تیری مستقیم به قلب جمهوری اسلامی وارد ساخت.

کنسرتهای فرمایشی رژیم اسلامی را تحریم کنید و از دیدن فیلمهای فیلمسازان ایرانی در سینماها و مکانهای عمومی

## چرا به ملت فلسطین احترام نمی گذارید؟

ممکن است کسی خوشش بیاید و یا بدش بیاید آنرا منتشر میکنند. مطلب دیگری که مادر هیچ کجای این کتاب و از جمله سطور که

برای شما ترجمه کرده بودیم ندیدیم که ملت فلسطین را تروریست نامیده باشد. همانگونه که امروز همه دنیا رژیم جمهوری اسلامی را تروریست میدانند ولی هیچکس ملت ایران را تروریست نمیداند. شما هم برادر مسلمان من باید بدانید که ما حساب مردم شریف و با فرهنگ و فرهیخته فلسطین را از رهبران تروریستشان که صابونشان هم به تن ما ایرانیان خورده است کاملاً جدا میدانیم. شما زمانی که به تلویزیون لاریجانی نگاه میکنید اگر عقل و خرد خود را یکسر بدست رژیم نسپارید مطمئناً نوشته های اندیشمندان و محققین را که بی غرضانه تهیه شده است بهتر می پذیرید. ما از خداوند می خواهیم ما را از شر همه شیاطین کوچک و بزرگ در امان بدارد تا بتوانیم از حقانیت همه انسانها بنویسیم. همانگونه که تاکنون هم همینطور عمل کرده ایم.

در پاسخ به نکته دیگری که در ئی میل خود به آن اشاره کرده اید ما قرار نیست اگر مسلمان هستیم هر عمل اشتباه مسلمان دیگر را تائید کنیم. اگر هر مسلمانی بخواهد اعمال خلاف مسلمانان را توجیه کند که جمهوری اسلامی تا این حد مخالف نداشت. مسلمان واقعی کسی است که همه حقایق را بگوید. و بنویسد.

در چند شماره از نشریه شما داستان پردازیهای شمارا درباره تروریستهای خاورمیانه خواندم. هضم این موضوع برای من بسیار مشگل بود که چطور یک ایرانی مسلمان می تواند یک ملت مسلمان را تروریست بنامد و آنرا که برای پس گرفتن آب و خاک آباء و اجدادیشان بایک کشور غاصب می جنگند تروریست لقب دهد؟

اربابان آمریکائی شما هم همین حرفها را میزنند و همه نوع حمایت و پشتیبانی هم از غاصبین به عمل می آورند بطوریکه حالا میخواهند بخاطر یک دستمال قیصریه را به آتش بکشند. امیدوارم خداوند شمارا به راه راست هدایت کند و شما را از نفوذ

شیاطین بزرگ در امان بدارد تا روزی بتوانید از حقانیت ملت فلسطین بنویسید. از تهران عبدالله ج

راه دمکراسی: هموطن عزیز و گرامی. مطالبی که در چند شماره پیرامون تروریست در خاورمیانه برای شما نوشتیم ترجمه یک کتاب بود که پژوهندگان و تاریخ نویسان بزرگی آنرا به رشته تحریر در آورده اند. و همانگونه که میدانید پژوهشگران معمولاً بدون تعصب و جهت گیری مطلبی را تحقیق کرده و بدون توجه به اینکه

در خارج از کشور خودداری کنید. این کمترین مبارزه ما با رژیم جمهوری اسلامی است.

محمد، غ. از بوستون



## یادشان گرامی

اگر از سینه هامان خون بریزد

به نامردی به جانهامان ستیزد

در این ره گرهزار از ما بمیرد

ز شهید زندگی کامی نگردد

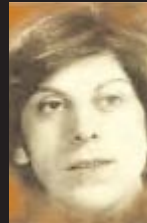
به راه دوستان هستیم هستیم

که نامردیم اگر پیمان گسستیم

پروانه فروهر

چهار سال از جنایات هولناک قتل‌های زنجیره ای می گذرد  
هنوز آمران و عاملان این کشتارهای هولناک آزادند ولی  
زرافشان وکیل خانواده های قربانیان و جداری فروغی  
وکیل زرافشان در بازداشت هستند و آقای خاتمی در اسپانیا  
صحبت از مردم سالاری دینی به مثابه الگوئی برای جهانیان  
می نماید. چه خوش گفت پروانه فروهر:

در این ویرانه آباد غم آور  
که جغد شوم هر دم میزند پر  
پلیدان جای نیکان برنشسته  
دلیران دستها در بند بسته  
ره تاریک رادامن گشائیم  
به زنگ دل از غم هازدائیم  
مزار دوستان باخون بشوئیم  
سرو ز زندگی از نوبگوئیم  
کمیته ایران یاد جانباختگان راه آزادی را گرامی می دارد  
وروز ۲۴ نوامبر مراسم یادبود این عزیزان را در بوستون  
بر گزار میکند.



روانشان شاد و راهشان پر رهرو باد

## گزارش

کمیته ایران گزارش کمکهای ارسالی به مبارزان و کوشندگان راه دمکراسی را در ماههای جولای آگوست سپتامبر و اکتبر را بدین شرح به پیشگاه ایرانیان مهربان و آگاه ساکنن ماساچوست که ما را در این راه یاری نموده اند تقدیم می دارد.

نام گیرنده	مبلغ	تاریخ
خانواده دانشجویان در ایران	۱۰۰۰ دلار	ماه جولای
پناهندگان در یونان	۱۱۵۰ دلار	ماه آگوست
مبارزان ملی مذهبی	۴۰۰ دلار	ماه آگوست
بنیاد مهر (کالیفرنیا)	۲۰۰ دلار	ماه سپتامبر
خانواده دانشجویان مبارز	۵۰۰ دلار	ماه اکتبر

کمیته ایران بدینوسیله از رامین د. سهراب ق. عباس ک. سعید د. عباس گ. خانم م. ف. خانم م. و. مجید ش. ژوزف م. سیناب. و کلیه هواداران راه آزادی و دمکراسی قدر دانی میکند.

لازم به یادآوری است که این کمک ها تحت نظارت رادیو صدای ایران مرکز ماساچوست سوپر هیروز و کمیته ایران برای مبارزان داخل کشور و پناهندگان فعال در اروپا ارسال میشود.

کلیه دفاتر و مدارک ارسال کمکها برای کمک کنندگان در سوپر هیروز موجود است. علاقمندان می توانند کمکهای خود را در ایالت ماساچوست به صندوق موجود در سوپر هیروز واریز کنند و هموطنان در هر کجای دنیا میتوانند کمکهای خود را به حساب بانکی شماره

1135697202

Iran Committee

در بانک سیتی زن در آمریکا واریز کنند.

و آنها ناچار به دادگاه شکایت بردند. ولی متأسفانه نتوانستند پولهای بر باد رفته را که با خون دل جمع آوری کرده بودند باز پس بگیرند. کارشناسان میگویند هر ساله بیش از یکصد میلیون دلار توسط کلاهبرداران نیجریه ای از مردم آمریکا اخذی میشود. خانم شهلا قاسمی ۴۲ ساله در گفتگویی با بولتن آ.آ. پی شماره اکتبر ۲۰۰۲ میگوید: حالا باید سالها به کار طاقت فرسا پردازم تا بتوانم چرتی از این پول بر باد رفته را تأمین کنم.

پرداخت کنند. خانواده قاسمی این پولها را پرداخت کردند اما کمی بعد از آنها خواسته شده که به علت مشکلاتی که پیش آمده باید مبلغی دیگر برای واسطه ی نیجریه ای پرداخت کنند. آنها پس از دو سال صبر و پرداخت مبلغی معادل ۴۰۰ هزار دلار انتظار دریافت ۲۷ میلیون ارثیه را داشتند و در حالیکه دیگر آره در بساطشان نبود تاباناله سودا کنند باز مواجهه با درخواست دیگر برای پرداخت بیشتر شدند.

## هشدار به هموطنان عزیز

طی یک مکالمه تلفنی از آن سوی دریاها و به خانم شهلا و آقای علیرضا قاسمی در تمپای فلوریدا گفته شده که آنها از یکی از اقوام بسیار دور خود که ساکن نیجریه بوده است مبلغی ۸ رقمی به ارث برده اند. و برای اینکه این مبلغ را به حساب آبانکی آنها در آمریکا واریز کنند باید مالیات و هزینه های وکیل و خرجهای دیگر را